■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۹۱ ■ یکشنبه ■ ۲۵ آبان ۱۳۹۹

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۹ | اذان مغرب ۱۷/۱۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۵/۱۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۲

سخن روز

**امام حسن عسگری (ع):**
برای ادب تو همین بس که آنچه را از دیگران نمی پسندی، از آن دوری کنی.
[بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷]

## سیدعباس صالحی: همه جشنواره‌ها امسال حضوری و آنلاین برگزار خواهد شد

**در حوزه جشنواره‌ها دو قالب حضوری و آنلاین را در نظر داریم و تلاشمان این است تا آنجایی که می توانیم این دو فضا را با هم تلفیق کنیم. به هر حال شرایط کرونایی با وجود تمام محدودیت‌ها و آسیب‌هایی که داشته است، فرصت‌هایی را نیز فراهم کرد که ما می توانیم از آنها در برگزاری جشنواره‌های پیش رو استفاده کنیم. بر همین اساس با توجه به اینکه دوره تراکم جشنواره‌ها را در پیش داریم، به سمت ترکیب فضای حضوری و آنلاین حرکت می کنیم که تجربه جدیدی در حوزه فرهنگ و هنر محسوب می شود. بنابراین تمام برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۹۸، در سال ۹۹ نیز برگزار می شود و حتی «نمایشگاه کتاب» که امکان برگزاری آن در اردیبهشت ماه فراهم نشد در آذر ماه امسال به صورت مجازی برگزار می شود.**

بخشی از سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا

**توی پاچوکا به دنیا اومدم. یه شهر بادخیز و زیبا. با چهارتا دندون که زودتر از موعد سر و کله شون پیدا شد و با بدنی که سرتاسرش با یه لایه نازکی از کرک و پرز پوشیده شده بود.**

ماجرای دندونام اثر والریا لوییزلی
مترجمان: وحید پورجعفری
رضا عابدین زاده
انتشارات آرادمان

نـــگاره
احسان نوری نجفی

پرچم، اسطوره غرور

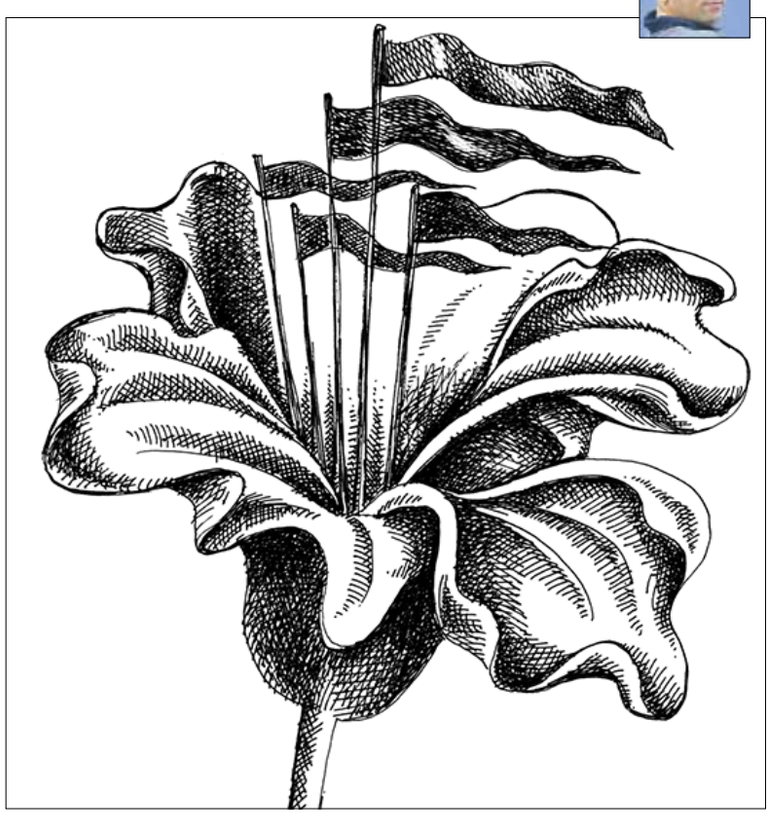

## کتابخوانی، راهی برای عبور از سختی‌ها

یادداشت

منصوره اتحادیه
مورخ، نویسنده، استاد دانشگاه و ناشر

کتاب و کتابخوانی از مهم‌ترین ملزومات زندگی امروز است؛ عادتی مهم که برای نهادینه شدن آن در فرهنگمان به همراهی جدی نظام آموزشی، حتی فراتر از اقداماتی که اهالی رسانه یا دیگر وزارتخانه‌هایی نظیر ارشاد انجام می دهند نیاز است. چرایی ضرورت کتابخوانی را هم باید در ذات آن جست‌وجو کرد؛ اینکه می گویم باید کتاب خواند تنها هدف آثار تاریخی یا پیگیری دیگر حوزه‌های جدی نیست. همین رمان خواندن هم به‌رغم ظاهر صرفاً سرگرم‌کننده‌اش مملو از فواید بیشماری است. کتاب خواندن حتی اگر به ادبیات داستانی محدود شود دریچه نگاهمان را گسترش می‌دهد؛ تجربه‌های زیستی‌مان را زیاد می‌کند و به ما یاد می‌دهد در موقعیت‌های مختلف چه واکنش و عکس‌العملی داشته باشیم. از سوی دیگر وقتی نسل نوجوان و جوانمان کتاب بخوانند متوجه می‌شود که تاریخ بشر مملو از مشکلاتی همچون قحطی‌ها، شیوع بیماری‌های کشنده همه‌گیر و حتی جنگ‌هایی در سطح جهانی است؛ اتفاقاتی که با وجود سختی‌های بی‌شماری که رقم‌زده‌اند بالاخره تمام شده و مردم از آنها گذر کرده‌اند. این مسأله بویژه در شرایط امروز که همه از خطرات بیماری کرونا نگران هستیم می‌تواند امیدبخش باشد؛ حداقل از این طریق متوجه می‌شویم که هیچ‌کدام از این سختی‌ها قرار نیست برای ابد گریبانمان را نگه دارند و روزهای خوب هم فرامی‌رسد. این روزها که شاهد برپایی دوره دیگری از هفته کتاب هستیم بهترین فرصت است تا اهالی رسانه با همراهی همه آن‌هایی که کاری از عهده‌شان ساخته است افرادی که هنوز به قشر کتابخوان نپیوسته‌اند را متوجه ضرورت این عادت دلپذیر اما مهم و اثرگذار کنند. ازجمله این اقدامات می‌تواند پوشش همزمان و پررنگ خبرهای هفته کتاب از سوی عموم نشریات و رسانه‌ها و همچنین نصب بیلبوردهای تبلیغاتی با محتوای متناسب در سطح شهرها باشد؛ مردم وقتی طی رفت و آمدهای خود با تبلیغ‌های اینچنین روبه‌رو شوند خواه ناخواه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. البته مسئولان شهری هم دقت کنند که این بیلبوردها تنها به تهران محدود نشود چرا که این شهر و استان به‌اندازه کافی طی سال در کانون توجه قرار دارد و اتفاقاً اقداماتی از این دست باید بیشتر متوجه نقاطی غیر از کلانشهرهایمان شود. اقداماتی همچون روز نمادین کتابگردی که چند سالی است شاهد برپایی آن هستیم هم کار مؤثری در جلب توجه مردم به کتاب و کتابفروشی‌هاست. هرچند که از نتیجه طرح‌های تخفیف فصلی کتاب همچون پاییزه کتاب هم نباید غافل شد؛ تزریق یارانه‌های این‌چنینی به مخاطبان کتاب در شرایط فعلی، هم تا حدی برای اوضاع نشر خوب است و هم برای مردم که توانایی اقتصادی‌شان کم شده است. بویژه که به سبب گرانی‌ها، قیمت کتاب با افزایش زیادی روبه‌رو شده و این قبیل طرح‌های تخفیف فصلی می‌توانند به کتابخوانان در خرید آثار موردعلاقه‌شان کمک کند. برگزاری هفته کتاب از سوی دیگر می‌تواند فرصتی برای جلب‌توجه بیشتر مسئولان به مشکلات حوزه نشر را هم فراهم کند تا از این طریق گام‌هایی برای بهبود شرایط نامطلوب این عرصه برداشته شود. اما نکته مهمی که ابتدای بحث به آن اشاره شد و جا دارد که تأکید مضاعفی بر آن شود ضرورت همراهی نظام آموزشی و بویژه آموزش‌وپرورش با فعالان عرصه کتاب است. امیدوارم اقدامات مؤثری همچون ویژه‌برنامه‌های خاصی که برای هفته کتاب در نظر گرفته شده تنها به این هفت روز محدود نشود و ما در تمام سال شاهد تلاش برای تبلیغ و معرفی کتاب باشیم؛ آن روزی که کتاب به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی‌مان تبدیل شود می‌توان به بهبود آینده این سرزمین امیدوار شد.

نیک یاد آموزگار، مریم اربابی در روزگار کرونا

## زیبایی زنانه رنج

پیاده‌رو

ارمغان بهداروند
شاعر

پا در دره درد داشت و با هر احتمالی از امید و آرزو، کوتاه نیامده بود و «معلم» باقی مانده بود که «معلم‌بودن» به دشواری «معلم‌ماندن» نیست. زیبایی زنانه رنج را در آن کادر کرونایی می‌شد دید و شُکوه مادرانه‌ای که آوار شده است و هیچ رضا نمی‌دهد که پرسشی بی‌پاسخ و درسی ناتمام بماند؛ چه دلیلی دلیرتر از این که او معلم بود و می‌خواست دقیقاً ترجمه شغلش باشد و شد؛ گیرم که حالا در صفحه آخر شناسنامه‌اش به ضرب مُهری مرگش را ثبت کرده باشند اما این جان‌بخشیدن هیچ کم از جان‌بخشی ندارد که سرسختی و سخاوتش یادآور اهدای عضو و ادامه زندگی در تنی دیگر است. این روزها که از فرط ناگواری هر ساعتش ماه و سالی است بیشتر از همیشه می‌توان هم‌پایگی «زن» و «مرد» را در جدالِ «سلامت» و جهادِ «سعادت» لمس کرد.

ماراتنِ مادرانگی در این خستگی‌ها بیش و پیش از هر چیز مرهم بوده است؛ تصور کنید چه دلی باید در سینه داشته باشی که از زخم کارگر نترسی و چند نفس بیشتر برای روییدنِ تنی فرزندان خویش از خدا طلب کنی.

همین حدیث است که هر کدام از ما اگر روزها و روزگاری از زندگی‌مان را فراموش کرده باشیم اما به روشنی نام و نشان معلم‌هایمان را در خاطر داریم و به مرور خاطره هر کدام دست بر سینه می‌گذاریم و لبخند بر لب می‌آوریم.

مثل بسیار وقت‌ها که به تسکین دردی، دل به شعری می‌سپردم؛ شعر مادر سروده «شهریار» را به خاطر آوردم که دلشکسته از تدفین مادر بازمی‌گردد: «در راه قم به هر چه گذشتم عبوس بود/ پیچید کوه و فحش به من داد و دور شد/ صحرا همه خطوط کج و کوله و سیاه/ طومار سرنوشت و خبرهای سهمگین/ دریاچه هم به حال من از دور می‌گریست/ تنها طواف دور ضریح و یکی نماز/ یک اشک هم به سوره یاسین چکید/ مادر به خاک رفت.» عزای عظیم مادر بر دل و جان او حلول کرده است و به ماتم‌خانه خویش برمی‌گردد اما خانه همان خانه و مادر مثل همیشه سرگرم کار و بار خویش: «آهسته باز از بغل پله‌ها گذشت/ در فکر آش و سبزی بیمار خویش بود/ اما گرفته دور و برش هاله‌ای سیاه/ او مرده است و باز پرستار حال ماست/ در زندگی ما همه جا وول می‌خورد/ هر کنج خانه صحنه‌ای از داستان اوست/ در ختم خویش هم به سر کار خویش بود/ بیچاره مادرم!» اگر این شعر این بخت را داشته است که شهادتی برای مادرانگی‌ها و مرارت‌هایشان باشد، می‌تواند مرثیه‌ای باشد که در عزای از دست دادن معلمی مادر و مادری معلم دوباره‌خوانی و دوباره‌خوانی شود، اگر چه او اکنون شادمان و رستگار سفر کرده است اما حتماً او نیز نه از فرزندانش دل کنده است و نه از رنج‌هایش دست برمی‌دارد: «باز آمدم به خانه چه حالی! نگفتنی/ دیدم نشسته مثل همیشه کنار حوض/ پیراهن پلید مرا باز شسته بود/ انگار خنده کرد ولی دلشکسته بود:/ بردی مرا به خاک کردی و آمدی؟/ تنها نمی‌گذارمت ای بینوا پسر!/ می‌خواستم به خنده درآیم ز اشتباه/ اما خیال بود/ ای وای مادرم!

## گزارشی در باب ابتذال شر

پیشنهاد

هارون یشایایی
تهیه‌کننده سینما

این هفته مشغول خواندن کتاب «آیشمن در اورشلیم» نوشته هانا آرنت هستم. نام این کتاب احتمالاً برایتان آشناست. نقدهای بسیاری این روزها در نشریات مکتوب درباره آن منتشر شده و بشدت مورد استقبال قرار گرفته تا جایی که در همین مدت کوتاه به چاپ هشتم رسیده است.

«آیشمن در اورشلیم» درباره دادگاه آدولف آیشمن، افسر مسئول مسأله یهودیان در آلمان نازی است. هانا آرنت با اینکه خود یهودی است، در این کتاب از شیوه محاکمه انتقاد می‌کند و معتقد است موضوع محاکمه آیشمن «اعمال شخصِ» آیشمن است، نه مصائب یهودیان، نه مردم آلمان یا کل بشریت، نه حتی نژادپرستی. او به شیوه محاکمه اعتراض دارد و طبق ترجمه دقیق زهرا شمس، مسأله اصلی را در ابتذال شر می‌داند. شرارت ممکن است همیشه اتفاق بیفتد و انسان باید اراده مقاومت در مقابل شر را داشته باشد. آیشمن هم یک آدم معمولی بود و فقط می‌خواست به مقام برسد. دغدغه‌اش قدرت بود و برایش مهم نبود که در راه رسیدن به این خواسته چه اقداماتی انجام می‌دهد. اراده انسان و اینکه چگونه در مقابل شرارت باید مقاومت کرد و تسلیم شر نشد، از محورهای کتاب هانا آرنت است. او در این کتاب از جهات گوناگون دادگاه آیشمن را مورد بررسی قرار داده است. آرنت، ماجرای ربودن آیشمن طی یک عملیات از آرژانتین توسط موساد و انتقال او به اسرائیل را غیرقانونی می‌داند و می‌گوید آدم‌ربایی محکوم است چه آیشمن باشد چه شخصی دیگر. او همچنین بر این نکته تأکید دارد که آیشمن یا نازیسم یا جریان هیتلر فقط متوجه یهودی‌ها نبوده بلکه ضد کولی‌ها، صرب‌ها، عقب‌مانده‌های ذهنی و... و در نهایت علیه بشریت بوده است و در واقع آیشمن باید به عنوان دشمن بشریت محاکمه شود. تأکید هانا آرنت بر این است که جنایات او را مختص یهودی‌کشی نکنیم.




اگر چه او مسئول کشتن یهودی‌ها بوده اما درست‌تر این است که بگوییم کشتن یهودی‌ها بخشی از جنایت او علیه بشریت است و جنایات او را به یهودی‌ها اختصاص ندهیم. آرنت همچنین به نحوه داوری هم اعتراض دارد و معتقد است سیاستمداران اسرائیلی و شخص داوید بن گوریون (نخست وزیر وقت) سعی می‌کند این محاکمه حقوقی را به جریان سیاسی به نفع خود و دولتش تبدیل کند. هانا آرنت به این روش هم اعتراض دارد؛ البته اعتراض او به این معنی نیست که محاکمه و حکم اعدام آیشمن را قبول ندارد بلکه بر جریان دقیق و درست دادرسی تأکید دارد.

به نام تاریخ

■ ۲۵ آبان

از سال شمسی ۲۴۱ روز گذشته است. امروز می‌توان گفت روز سینمایی هاست چون سالروز تولد چندین چهره سینمایی جهان در امروز ثبت شده و به این بهانه می‌توانیم آثار و کمی از زندگی‌شان را مرور کنیم.

■ تولدها

**فرانچسکو رزی:** کارگردان ایتالیایی مشهور جهان سال ۱۹۲۲ در چنین روزی به دنیا آمد. فرانچسکو رزی کارش را به‌عنوان تصویرگر کتاب‌های کودک آغاز کرد و پس از آن در رادیو ناپل به‌عنوان نمایشنامه نویس و کارگردان مشغول شد. او در فیلم‌هایی مانند «زمین می‌لرزد»، «شکنجه» و «شکست خوردگان» دستیار کارگردانانی چون ویسکونتی و میکل آنجلو آنتونیونی بود و پس از آن در سال ۱۹۵۸ اولین فیلمش را با نام «چالش» کارگردانی کرد. رزی با فیلم‌های سیاسی و مافیایی اش شهرت دارد و در دهه ۶۰ با فیلمی مانند «سالواتوره جولیانو» تحولی در این ژانر در سینما ایجاد کرد. خودش در گفت‌وگویی اعلام کرد: «زمانی که فیلم «سالواتوره جولیانو» را می‌ساختم مردم در سیسیل حتی جرأت نداشتند کلمه مافیا را بر زبان بیاورند.» اما با فیلم‌های رزی جرأت پرداختن به مافیا در بسیاری از فیلمسازان جهان ایجاد شد. «دست‌ها روی شهر» دیگر فیلم مشهور اوست که برنده جایزه جشنواره فیلم ونیز هم شد. «ماجرای ماتئی» و «لاکی لوچانو» دیگر فیلم‌های رزی با موضوع فساد سیاسی و زد و بندها بودند که برای «ماجرای ماتئی» برنده نخل طلایی جشنواره فیلم کن شد. او در این فیلم‌ها از «جیان ماریا ولونته» بازیگر ایتالیایی استفاده می‌کرد و این بازیگر در دهه ۷۰ میلادی یکی از کلیدی‌ترین ستارگان سینمای رزی بود. این همکاری در فیلم «مسیح هرگز به اینجا نیامد» دیگر فیلم مشهور رزی هم ادامه پیدا کرد و بسیاری از منتقدان آن را بهترین همکاری این دو می‌دانند. این فیلم براساس رمان مشهور پریمو لوی ساخته شد و باز هم موضوعی سیاسی داشت. رزی پس از آن از سینمای سیاسی فاصله گرفت و فیلم «کارمن» را براساس یک اپرای معروف و فیلم «وقایع نگاری یک مرگ از پیش اعلام شده» را براساس داستانی از مارکس ساخت. البته در آخرین سال دهه ۸۰ دوباره سراغ فساد سیاسی و مافیا رفت و فیلم «فراموش کردن پالرمو» را ساخت. جالب است بدانید که رزی در سال ۱۳۵۰ و برای نمایش یکی از فیلم‌هایش یعنی «اجساد عالی مقام» به ایران هم آمد. او سال ۲۰۱۵ درگذشت.



**ژانگ ییمو:** کارگردان چینی سال ۱۹۵۱ در چنین روزی به دنیا آمد. ژانگ ییمو اولین فیلمش را سال ۱۹۸۷ با نام «ذرت سرخ» ساخت که برایش برنده خرس طلایی جشنواره فیلم برلین شد. پس از آن با فیلم «فانوس قرمز را برافراز» در سال ۱۹۹۱ بیشتر مطرح شد و با فیلم بعدی اش یعنی «داستان کیو جو» شیر طلایی جشنواره فیلم ونیز را برد. «برای زندگی»، «مثلث شانگهای»، «جدایی سخت است»، «نه یکی کمتر»، «خانه خنجرهای پران»، «نفرین گل طلایی» و «گل‌های جنگ» دیگر آثار ژانگ ییمو هستند. او یکی از فیلمسازان چینی است که به «نسل پنجم» مشهور هستند. «نسل پنجم» دورانی از سینمای چین است که از نیمه‌های دهه ۸۰ میلادی آغاز شده و همچنان ادامه دارد. جالب است بدانید که فیلم‌های «جدایی سخت است» و «نه یکی کمتر» از جشنواره کن به‌دلیل اینکه این فیلم‌ها با فضای سینمای چین همخوانی نداشتند خارج شدند و ییمو در اعتراض به این تصمیم گفت که جشنواره کن می‌خواهد تصویری کلیشه‌ای از چین به نمایش بگذارد.



**شیلین وودلی:** بازیگر امریکایی سال ۱۹۹۱ در چنین روزی به دنیا آمد. شیلین وودلی کارش را از کودکی با بازی در تبلیغات تلویزیونی آغاز کرد و برای اولین بار در ۸ سالگی در فیلم «Replacing Dad» بازی کرد اما با فیلم فرزندان در سال ۲۰۱۱ و بازی در کنار ستارگانی مانند جورج کلونی بیشتر مطرح شد و نامزد جایزه گلدن گلوب هم شد. پس از آن وودلی را در فیلم‌های «اکنون شگفت انگیز»، «سنت شکن»، «بخت پریشان»، «اسنودن»، «شناور» و «پایان‌ها، آغازها» دیدیم. او سریال‌های زیادی هم بازی کرده که مشهورترین آنها «جک و بابی»، «نام من ارل است»، «زندگی مخفی نوجوان امریکایی» و «دروغ‌های کوچک بزرگ» هستند که اکنون با همین سریال آخر و نقشش در آن سریال یعنی «جین» شناخته می‌شود.

● **حسین پارسایی** نویسنده و منتقد، **آرش معیریان** کارگردان، **هوشنگ عاشورزاده** داستان نویس، **قاسم قاسمی** شاعر و **سیدمحمدوحید موسوی جزایری** خوشنویس هم متولد امروز هستند.

■ درگذشت

**محمد پورستار** بازیگر ایرانی که با سریال‌هایی مانند «یوسف پیامبر» و «مختارنامه» شناخته می‌شد سال ۱۳۹۶ در چنین روزی درگذشت.

## #کرونا

هشتگ

در نظر گرفتن محدودیت‌های کرونایی و اجرای آن از ۱ آذر موضوعی بود که واکنش کاربران ایرانی را همراه داشت. تقریباً همه منتظر تعطیلی بودند و درباره اثرگذار بودن این محدودیت‌ها می‌نوشتند. البته اینکه چرا اجرای آن به شنبه آینده موکول شده هم مسأله‌ای بود که درباره‌اش زیاد صحبت کردند. در کنار اینها فیلمی از حراج کیف و کفش در یکی از پاساژهای غرب تهران منتشر شده که تجمع مردم در این شرایط خیلی‌ها را عصبانی کرده است: «منم دقیقاً عین ستاد کرونا عمل می‌کنم، کلی پلن و برنامه دارم که هر هفته میگم از شنبه دیگه شروع میکنم»، :همزمان با تشدید کرونا و لزوم اعمال محدودیت‌ها؛ این ویدیو از لحظه شروع یک حراجی در تهران است. یه عده به‌خاطر دو زار تخفیف همه چیز یادشون میره. کاش واکسن کرونا رو زودتر پخش جهانی کنن»، «همکارم به مدیرم: - به خاطر تشدید تلفات کرونا میخوان کلاً تعطیل کنن و محدودیت تردد اعمال میشه - ای بابا خانم اینجوری افسردگی می‌گیریم که - خانم! مردم دارن عزیزانشان را از دست میدن اون وقت شما به فکر افسردگی هستید؟»، «خب همونطور که پیش‌بینی میشد تعطیلی در کار نیست. محدودیت‌های جدید از شنبه آینده اجرایی میشه»، «۲۳ آبان ۱۳۹۹، مرکز خریدی در شهرک غرب تهران؛ بماند به یادگار از روزگار کرونا و ما مردم نابخرد که هیچ سهمی برای خود در ناکامی‌ها و شکست‌ها قائل نیستیم. غم‌انگیزیم واقعاً. پ.ن.تازه اینجا نه که فکر کنید اینجا یک جای فقیر نشین و اینها هم اونقدر بی‌بضاعتند که در اثر نیاز تخفیف و حراج این‌طور در هم می‌لولن، اینجا مرکز خرید در شهرک غرب تهرانه. ساعت ۷ شب هم هست و همه هم بستن. ایشون با افتخار بازه و می‌خواد تا ۱۱ هم ادامه بده.»، «با این وضعیتی که تو ویدیو حراجی دیروز تهران دیدم قطعاً کرونا ما رو شکست میده! تعزیرات محترم به جای اینکه در ایام عادی سال بی‌دلیل سراغ کسبه برید، الان وقتشه برای این دسته افراد بی‌عقل دست به کار بشید و از برگه‌های پلمب استفاده کنید.»، «نه ناظران با متخلفین برخورد میکنن نه کسبه رعایت قانون رو میکنن نه مردم مراعات جون خودشون رو. دیگه چیکار باید کرد؟!»، «این ویدیوی حراج پاساژ چه سمی بود من دیدم. چرا اینا این‌طورن؟ ۴۰ هزار تخفیف میخوان؟ لامصب بعداً ۶۰۰ هزار هزینه تست کرونا باید بدی.»، «اون همه آدم رفتن پاساژ خرید، بعد هنوز میگن تقصیر عدم آموزشه.۱۰ ماهه تو همه رسانه ها درمورد فاصله اجتماعی و نرفتن تو تجمع حرف میزنن. چه آموزشی نیست؟ چه موضوع پیچیده‌ایه که آموزشش نباشه؟ چرا چرت و پرت میگین آخه.»، «در صورت دچار شدن به کرونا شونصد برابر قیمت اون کیف و کفش باید خرج دوا درمان کرونا کنی».

شهروند مجازی

یگانه خدامی

## امیر سربلند ارتش

ماجرا

فیلمی از احمد دادبین فرمانده نیروی زمینی ارتش در دهه ۷۰ منتشر شد که بازتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت. فیلمی که در یک دفتر مشاور املاک گرفته شده و نشان می‌دهد او به‌دنبال اجاره کردن یک خانه کوچک برای سکونت خودش و همسرش است. این فیلم بارها بازنشر شد و کاربران زیادی به این بهانه از خدمات امیر دادبین و خیرخواهی او نوشتند: «وقتی داریم از «ارتش فدای ملت» صحبت می‌کنیم، دقیقاً داریم از سردار دادبین، فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش صحبت می‌کنیم؛ کسی که حتی یه خونه برای خودش نداره، کسی که دنبال یه خونه کوچیک برای مستأجری میگرده، کسی که حتی قسمتی از حقوقش رو می‌بخشه و مطلقاً دنبال کمک گرفتن نیست..»، «این آقا که این‌طور دنبال خانه اجاره‌ای کوچک می‌گردد، سرتیپ احمد دادبین از فرماندهان پیروز و شجاع ۸ سال دفاع مقدس، فرمانده لشکر ۲۸ پیاده کردستان و فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش است»، «از دیروز ویدیوی مربوط به تیمسار دادبین، این فرمانده محبوب نیروی زمینی خیلی دیده شد. پیگیری کردم نزدیکانش گفتند:با خواست خودش خانه سازمانی را تخلیه می‌کند. سال‌هاست بخشی از حقوقش را می‌بخشد. املاکی ندارد. اکیداً نمی‌خواهد به او کمک شود. ایران چه فرزندانی با چه روح بلندی به خود دیده!»، «ای وای، تیمسار دادبین کسی که وقتی رزمایش برگزار میکرد کشورهای همسایه به حالت آماده‌باش در میومدن باید مستأجر باشه و یک عده...»، «امیر دادبین را آنهایی که از نزدیک ملاقات کرده‌اند، می‌دانند که چه انسان شریفی است. کسی که بعد از سال‌ها نامش در میان همرزمانش به نیکی یاد می‌شود.»، «وضعیت بازنشسته‌های ارتش واقعاً همینقدر فاجعه است. پدر من تیمسار خلبان بازنشسته است که ۱۵ سال پیش بازنشست شد حدود ۵ تومن میگیره. دادبین که قبل‌تر بازنشست شد و نیرو زمینی هم هست که مطمئنم کمتر میگیره.»، :تیمسار دادبین رو هرگز نخواهید شناخت مگر از زبان کادری‌های ارتشی ای که در زمان فرماندهی این فرمانده اعجوبه، درحال خدمت بوده‌اند. با همین محبوبیت تونست بزرگترین رزمایش تاریخ نیروی زمینی ارتش رو رقم بزنه»، «چند نکته ۱- تیمسار دادبین منزل شخصی رو به خیریه تحویل دادن تا محل اسکان بی‌سرپناه‌ها بشه ۲- ایشون منزل سازمانی رو هم تخلیه کردن تا تحویل سازمان بدن به جهت اینکه یکی دیگه از پرسنل صاحب منزل بشن ۳- بارها و بارها با ایشون افتخار صحبت داشتم و موکدمیگفتند که همه اموالم را به خیریه می‌دهم».

عکس نوشت

**کتابفروشی مشهور و ۲۲۳ ساله «هچاردز» با وجود تعطیلی به دلیل گسترش کرونا در انگلستان همچنان تلاش می کند با فرستادن کتاب برای مشتریانش در سراسر جهان زنده بماند. قدیمی‌ترین کتابفروشی لندن سال ۱۷۹۷ توسط جان هچاردز در خیابان مشهور پیکادلی تأسیس شد و گفته می‌شود کتابفروشی مورد علاقه بنجامین دیزرائیلی سیاستمدار و نویسنده، جین آستین نویسنده و اسکار وایلد نویسنده و شاعر بوده است.**

**این کتابفروشی از پنجم نوامبر به دلیل شیوع ویروس کرونا بسته شده اما مدیرانش می گویند که مشتریان می‌توانند از طریق تلفن یا ایمیل سفارش‌های‌شان را از آنها دریافت کنند. در صفحه اینستاگرام «هچاردز» نوشته شده است: «ممکن است درهای معروف ما بسته باشد، اما - در پشت صحنه - کتابفروشی همچنان ادامه دارد!»**